

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: 89/11/18

موضوع: شستن دست در وضو از دیدگاه شیعه و سنی (1)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

بحث ما در رابطه با «وضو» بود. در اینکه آیا آنچه تکلیف است و کتاب و سنت بر او دلالت می کند، غسل و شستن پا در وضو هست یا مسح پا؛ مفصل صحبت کردیم.

در خصوص این موضوع، ما حدود 40، 50 جلسه مفصل بحث کردیم و از کتاب و سنت ثابت کردیم که سیره نبی مکرم، سیره امیرالمومنین، سیره دیگر صحابه و تابعین این بود که موقع وضو گرفتن پای خود را مسح می کشیدند.

نکته دیگری که در وضو حائز اهمیت است و مورد اختلاف میان شیعه و سنی است، در رابطه با شستن دست است. خداوند متعال در سوره مبارکه مائده آیه 6 می فرماید:

**(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)**

ای کسانی که ایمان آورده اید هنگامی که برای نماز بپا خاستید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید.

سوره مائده (5): آیه 6

در رابطه با شستن «صورت» در وضو هیچ مشکلی نداریم. اتفاق جامعه اسلامی بر این است که «صورت» باید از بالای پیشانی تا پایین چانه شسته شود و از نظر عرض هم به اندازه‌ای که بین انگشت بزرگ و ابهام او را بگیرد، باید شسته شود.

ولی در رابطه با اینکه «دست» در وضو چگونه باید شسته شود، هم میان علمای اهل سنت اختلاف است و هم میان علمای شیعی و سنی اختلاف وجود دارد.

در آیه **(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)** که در این آیه **(إِلَى)** برای انتهای غایت هست، اهل سنت اختلاف دارند که آیا «مرافق» که منتهی الیه هست داخل در غایت هست یا داخل در غایت نیست؟! اصلاً خود «مرفق» و این قسمت آرنج، باید شسته شود یا خیر؟! آیا «آرنج» که غایت هست، داخل در مغیی هست یا خیر؟!

ما فتاوی بعضی از آقایان اهل سنت را عرض خواهیم کرد و بیان می‌کنیم که آنها مقید هستند بر اینکه مثل شیعه و ائمه اهل بیت، مرفق و آرنج حتماً باید شسته شود و ادله‌ای هم دارند. ولی بعضی افراد هم هستند که معتقدند «غایت» داخل در «مغیی» نیست! مثلاً **(لَيْل)** در آیه شریفه:

**(أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ)**

بخورید و بیاشامید تا رشته سپید صبح از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد.

سوره بقره (2): آیه 187

«غایت» است ولی به هیچ وجه داخل در مغیا نیست. ما «صوم» را تا فرارسیدن شب می‌گیریم ولی خود شب داخل در حکم صوم نیست.

ما در این خصوص مفصل بحث خواهیم کرد. اما آنچه مهم و حائز اهمیت است اختلاف شیعه و سنی است در خصوص اینکه موقع شستن دست، ما باید از آرنج و مرفق تا سر انگشتان را بشوییم یا از سر انگشت تا مرفق را بشوییم؟!

تقریباً تمام علمای اهل سنت یا غالب آنها بر این عقیده هستند که موقع شستن دست در هنگام وضو باید از سر انگشت شروع کنیم تا به مرفق و آرنج برسیم. ولی شیعه با الهام از اهل بیت (علیهم السلام) که یکی از «ثقلین» هست و نبی مکرم در حدیث:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِهْمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 2، ص 100، ح

59

به آن اشاره کردند؛ معتقد هست که آنچه ائمه اطهار رهنمود کردند، و وضوی نبی اکرم را نقل کردند، و خود ائمه اطهار از امیرالمومنین تا امام عسکری (سلام الله علیهم) وضو گرفتند، وضوی اهل بیت چنین بوده است که از آرنج تا نوک انگشتان را می شستند.

«أهل البيت أدرى بما في البيت»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 78، ص 274،

ح 32

ما در اینجا باید چند مسئله را مطرح بکنیم. البته ابتداء بنده نکته‌ای را عرض می‌کنم بعد وارد بحث می‌شویم. روش ما در فقه مقارن این بود که اول روایات ائمه را می‌خوانیم تا ببینیم اهل بیت در هر حکمی از احکام و فرعی از فروعات چه نظری دارند؟!

نظر ائمه اطهار کاملاً بررسی می‌شود و سپس به سراغ نظر فقهای شیعه می‌رویم و بعد هم به سراغ روایات و نظر فقهاء اهل سنت می‌رویم و در ادامه، یک بحث مقارنه‌ای انجام می‌دهیم بین روایات اهل بیت و روایات اهل سنت؛ و فقهای شیعه و فقهای اهل سنت.

پیرامون مسئله وضو، شارع مقدس می‌فرماید:

**(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)**

صورت و دستها را تا آرنج بشوئید.

در اینجا باید پرسید که آیا کلمه (إِلَى)، قید (أَيْدِي) است یا قید (فَاغْسِلُوا) هست؟! پاسخ کلی این است که اگر قید برای (أَيْدِي) باشد غایت معنا ندارد، اما اگر قید برای (فَاغْسِلُوا) باشد در آنجا می‌توان غایت را مطرح کرد. قرآن می‌فرماید:

**(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)**

صورت و دستها را تا آرنج بشوئید.

در اینجا باید ببینیم که نظر عرف چیست؟ و عرف از این آیه چه می‌فهمد؟ آیت الله مرعشی نجفی (رحمة الله علیه) می‌گفتند: در این آیات و روایات نباید ملاک فهم را به ما طلبه‌ها بدهند، زیرا ذهن ما طلبه‌ها، با «ان قلت» و «قلت» حوزوی انس دارد و ما نمی‌توانیم مراد شارع را خوب بفهمیم. چون احتمالات در ذهن ما زیاد است و با خود می‌گوییم احتمال دارد امام منظورش فلان یا فلان باشد.

ایشان گفتند: بهترین راه این است که شما این آیه و روایت را برای مردم کوچه و بازار و کلاه نمدی‌ها بخوانید و ببینید آنها چه برداشتی دارند؛ برداشت آنها ملاک خواهد بود. زیرا ائمه اطهار برای توده مردم سخن گفتند و فقط در حوزه علمیه برای طلبه‌ها و علما حرف نزده‌اند.

اگر شما (فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَاقِقِ) را برای توده مردم بیان کنید بلافصله می‌گویند (إِلَى) قید برای (أَيْدِيَكُمْ) هست، نه برای (فَاعْسِلُوا) و اصلا ارتباطی با (فَاعْسِلُوا) ندارد. چون «ید» استعمالات مختلفی در عرف دارد. در رابطه با آیه شریفه:

(وَ السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالاً مِنَ اللَّهِ)

دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان يك مجازات الهی قطع کنید.

سوره مائده (5): آیه 38

چهار انگشت را «ید» می‌گویند. آقایان شیعه و اهل سنت عمدتاً بر این عقیده هستند که اگر انگشتان در فرد سارق قطع شود حکم جاری است.

«ید»، هم آرنج را شامل می‌شود، هم مچ دست را شامل می‌شود، هم مرفق را شامل می‌شود و هم کتف را شامل می‌شود. بنابراین به دلیل اینکه «ید» در عرف استعمالات مختلفی دارد شارع مقدس آمده تا بگوید ید تا مرفق نیست، ید تا کتف نیست، ید فقط انگشتان نیست.

مراد من از «ید» که می‌گویم (فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ) تا اینجا هست. یعنی قید است بر اینکه محدوده شستن مشخص شود. اما اینکه از کجا باید شروع شود و به کجا باید ختم شود؛ تنها عرف می‌فهمد. عرف تشخیص می‌دهد که باید از بالا به پایین بشوید یا از پایین به بالا بشوید؟! به عنوان مثال شارع مقدس

می‌گوید: سمت چپ خود را در غسل بشویید. زمانی که پرسیده می‌شود از کجا باید بشویم، پاسخ داده می‌شود: محدوده از نوک انگشتان پا تا کتف است.

بنابراین اگر چنین باشد که آقایان در وضو انجام می‌دهند و از نوک انگشتان تا آرنج می‌شورند، به هنگام غسل کردن نیز باید طرف زیر دوش بخوابد، سرش را پایین بگیرد و پاهایش را بالا بگیرد به دلیل اینکه شارع گفته است باید از انگشتان پا تا کتف شسته شود!!

نه، اینگونه نیست. عرف تشخیص می‌دهد که وقتی شارع مقدس گفته است این قسمت باید شسته شود یعنی «سر» لازم نیست. همچنین زمانی که می‌گوید سمت راست را باید از این قسمت بشوید دیگر سمت چپ لازم نیست؛ سمت چپ حکم جدا گانه‌ای دارد!

اصلا عرف غیر مسلمان که وقتی دستش آلوده و کثیف است چه کار می‌کند؟! چگونه می‌شورد؟ آیا از انگشت شروع می‌کند تا به آرنج برسد و آن را بشوید یا از بالا شروع می‌کند و به سمت پایین می‌رود؟!

عرف شستن در میان توده مردم چه مسلمان چه غیر مسلمان کاملا مشخص است و به همین دلیل شارع مقدس نیامده در این زمینه بگوید: **(فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)**، یعنی: «وَأَغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْأَصَابِعِ إِلَى الْمَرَافِقِ».

ما سؤال دیگری از آقایان می‌پرسیم و آن اینکه شارع مقدس که **(إِلَى الْمَرَافِقِ)** گفته است، دست خود را تا مرفق بشوید، آقایان از کجا فهمیدند که ابتدای شستن از انگشتان است؟!

شارع مقدس که معین نکرده و نگفته است: «وَأَغْسِلُوا أَيْدِيَكُمْ مِنَ الْأَصَابِعِ أَوْ أَنْمَلَةَ إِلَى الْمَرَافِقِ»! حال اگر کسی از منکب شروع کند تا مرفق را بشوید، آیا این شخص امتثال امر مولی کرده است یا خیر؟! بله امتثال کرده است! از آیه همین فهمیده می‌شود؛ اگر ما بخواهیم از آیه استفاده کنیم همین است. در آیه، ابتدا معین نشده

است. اگر کسی بگوید ابتدا همان گونه که از انگشتان شروع می‌شود تا به مرفق می‌رسد، یحتمل از منکب شروع می‌شود تا به مرفق می‌رسد. اگر بناست ما عرف را کنار بگذاریم و بخواهیم با مذاقه عقلی قضاوت کنیم شما چه جوابی به او می‌دهید؟!

همین شخص سؤال می‌پرسد که من می‌خواهم از منکب تا مرفق بشویم. عرف هم بر این است که از بالا به پایین شسته می‌شود و شارع مقدس هم گفته است مبنا این است که از بالا به پایین شسته شود. شستن به این شکل از انگشت تا مرفق خلاف عرف است، اما از بالا تا مرفق شستن خلاف عرف نیست. این شخص یک مؤید عرفی هم دارد.

بنابراین مشخص است به دلیل اینکه شارع مقدس در اینجا ابتدای شستن را مشخص نکرده است و تنها منتهی الیه را معین کرده است، این منتهی الیه برای تعیین محدوده غسل است. این که شما از کجا شروع کنید و به کجا ختم کنید؛ از این ساکت است و آن را به عرف واگذار کرده است و ما مثال‌های عرفی هم زدیم.

بنابراین اگر کلمه **«إِلَى»** قید **«يَد»** باشد، کاملاً مشخص است. همچنین اگر قید برای غسل باشد، می‌گوید: **«وَأَغْسِلُوا إِلَى الْمِرْفَق»**، غسلتان تا به مرفق باشد. اگر چنانچه به این شکل باشد، باز در اینجا ما می‌توانیم از عرف استفاده کنیم. معمولاً در اینطور قضایا عرف می‌گوید شستن از انگشت تا به مرفق مشکل است!! یعنی اینکه عرف از آیه استفاده کند آغاز شستن از انگشتان تا مرفق باشد، پیچیدگی دارد. لذا شارع مقدس باید این را بیان کند: **«لَهُ الْبَيَان»** و در آیه بیانی هم ندارد!!

وقتی شارع مقدس بیانی ندارد در اینجا آنچه که عرف می‌فهمد همین است که دست باید از بالا به پایین شسته شود. زیرا تنها در وضو دستش را نمی‌شوید. این شخص در حمام هم دستش را می‌شوید، وقتی دستش کثیف می‌شود هم دستش را می‌شوید، همچنین زمانی که دستش گچی یا سیمانی می‌شود هم دستش را می‌شوید. در تمام موارد شستن‌ها از بالا به پایین است.

این انسان هیچ موردی ندارد که در طول عمرش یک مورد غسلی برای ید صورت بدهد که این غسل از پایین به بالا باشد. ما یک مورد هم نداریم؛ اگر آقایان دارند به ما نشان دهند!

آقای «ابن تیمیه»، «ابن حجر»، «نووی» و «ابن قدامه» به ما بگویند ما در طول سال که یک مرتبه تصمیم می‌گیریم دستمان را بشوییم، از پایین می‌شویم و به بالا می‌رویم.

در تمام غسلها از بالا به پایین هست. نه تنها در عرف اهل سنت، بلکه در عرف غیر مسلمان هم به همین شکل است. شما در دنیا یک انسان حتی دیوانه‌ای را هم پیدا نمی‌کنید که دستشان را از پایین به بالا بشویند.

اگر به دار المجانین مراجعه کنید خواهید دید که دیوانه‌ها هم زمانی که می‌خواهند دستانشان را بشویند هیچ کدامشان نمی‌آیند از انگشتانشان شروع کنند و بالا بیایند. یا زمانی که می‌خواهند پایشان را بشویند نمی‌آیند زیر دوش بخوابند و از انگشتان به سمت ران بشویند!! اصلاً در تمام مجامع، شستن‌ها از بالا به پایین هست.

اضافه بر این؛ اگر چنانچه **(إِلَى الْمَرِافِقِ)**، قید **(فَأَغْسِلُوا)** هم باشد، اهل بیت (علیهم السلام)، لغویین، شعرا و هم بزرگان اهل سنت تصریح دارند **(إِلَى)** در اینجا به معنای «مع» می‌باشد. بیت القصیر حرف همین جاست:

**«فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيَكُمْ مَعَ الْمَرِافِقِ»**

حالا ما حرف آقای «ابن حجر» را هم نقل می‌کنیم، حرف آقای «نووی»، «ابن قدامه مقدسی» و تمام آنها را عرض می‌کنیم که تصریح دارند **(إِلَى)** در اینجا به معنای «مع» می‌باشد. همانند:

**(وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَى أَمْوَالِكُمْ)**

و اموال آنها را با اموال خودتان (به وسیله مخلوط کردن یا تبدیل نمودن) نخورید.

سوره نساء (4): آیه 2



در اینجا (إِلَى) به معنای «مع» هست. شیعه، سنی و وهابی همگان اتفاق نظر دارند که اموال یتیمان را به ضمیمه اموال خودتان نخورید. به معنای اینکه آن اموال را قاطی اموال خودتان نکنید.

اگر شما در آیه شریفه: (وَ لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ)؛ (إِلَى) را به معنای غایت بگیرید اصلاً چه معنایی می‌دهد؟! در این صورت آیه شریفه می‌فرماید: "اموال یتیمان را تا اموال خودتان نخورید!" اصلاً این عبارت، عبارت لغو است. این حرف از فرد عادی هم صادر نمی‌شود چه رسد به فرد حکیم که این‌گونه سخن‌وری کند.

همچنین خداوند متعال در رابطه با حضرت عیسی می‌فرماید:

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْخَوَارِثُونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ أَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

هنگامی که عیسی از آنان احساس کفر (و مخالفت) کرد، گفت: "کیست که یاور من به سوی خدا (برای تبلیغ آیین او) گردد؟" خواریان [شاگردان مخصوص او] گفتند: "ما یاوران خداییم، به خدا ایمان آوردیم، و تو (نیز) گواه باش که ما اسلام آورده‌ایم."

سوره آل عمران (3): آیه 52

در این آیه شریفه (إِلَى) به معنای انتهای هست یا به معنای «مع» است؟! اگر به تفاسیر اهل سنت مراجعه کنید، خواهید دید که معنای این آیه شریفه چنین است: «من أنصاری مع الله»؛ چه کسانی من را در کنار خدا کمک می‌کنند؟! یعنی در کنار نصرت الهی چه کسانی کمک می‌کنند؟!

خداوند متعال همچنین در سوره مبارکه هود آیه 52 می‌فرماید:

(وَ يَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ)

و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و روی (از حق) بر نتابید و گناه نکنید.

سوره هود (11): آیه 52

در این آیه شریفه همگان اتفاق نظر دارند بر اینکه (إِلَى قُوتِكُمْ) به معنای «مع قوتکم» می‌باشد.

ما در ادامه که روایاتی از ائمه (علیهم السلام) می‌خوانیم، خواهید دید که خود ائمه اطهار (علیهم السلام) هم به برخی از این آیات که (إِلَى) به معنای «مع» آمده اشاره دارند.

فقه‌ها هم همانند «شیخ طوسی»، «علامه حلی»، «صاحب جواهر» و دیگران زمانی که به آیه شریفه پنجم از سوره مائده که می‌فرماید:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که برای نماز بپاخواستید صورت و دستها را تا آرنج بشوئید.

سوره مائده (5): آیه 6

می‌رسند می‌گویند که یکی از معانی (إِلَى)، کلمه «مع» هست به استشهاد سه آیه‌ای که برای شما عرض کردیم.

همچنین آقایان فقه‌ها همانند «مرحوم شیخ طوسی»، «مرحوم صاحب وسائل»، «مرحوم علامه مجلسی»، «سید مرتضی» و دیگران، در اشعار شعرای عرب همانند شعری از «إمراة القیس» نقل می‌کنند:

«لَهُ كِفْلٌ كَالدَّغِصِ لَبْدَهُ النَّدَى إِلَى حَارِكٍ مِثْلِ الرَّتَّاجِ الْمُصَبَّبِ»

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج 1، ص 57،

شما اگر به کتب مختلفی از جمله کتاب «مغنی» یا کتاب «نحو» اثر «ابن هشام» مراجعه کنید خواهید دید که همگان معتقدند: «إِلَى حَارِكٍ» به معنای «مع حارک» می‌باشد. موارد متعدد دیگری نیز در این زمینه وجود دارد.

بنده امروز تنها روایتی را از امام باقر (علیه السلام) نقل کنم. آنچه تاکنون عرض کردم مقدمه بود. ما ابتدا وارد روایات ائمه اطهار می‌شویم، سپس نظر فقهای شیعه را مطرح می‌کنیم و بعد از آن نظر فقهای اهل سنت را بیان می‌کنیم.

«مرحوم شیخ طوسی» (رضوان الله تعالی علیه) در کتاب «تهذیب الأحکام» جلد اول صفحه 56 روایتی را نقل کرده که صحیحه هم هست. در این روایت نقل شده است «بُکیر» و «زراره» دو تن از فرزندان «أعین»؛

«سَأَلَا أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنْ وُضُوءِ رَسُولِ اللَّهِ ص»

بکیر و زراه از امام باقر پرسیدند که رسول خدا چه گونه وضو می‌گرفت؟

«فَدَعَا بِطُسْتٍ أَوْ بِتُّورٍ»

ابو جعفر گفت تا ظرف آبی آوردند.

مراد از «طست» همان لگن یا «طور» که همان لگن‌های گلی است، می‌باشد. حال مراد از «طست» همان طشت مسی بوده یا طشت سفالی بوده است.

«فِيهِ مَاءٌ فَغَسَلَ كَفَّيْهِ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى فِي التُّورِ»

آن گاه دست راست خود را در آب فرو برد و يك مشت آب برداشت.

«فَعَسَلَ وَجْهَهُ بِهَا وَ اسْتَعَانَ بِيَدِهِ الْيُسْرَى بِكَفِّهِ عَلَى غَسْلِ وَجْهِهِ ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى فِي الْمَاءِ فَأَعْتَرَفَ بِهَا مِنْ الْمَاءِ فَعَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْأَصَابِعِ»

و بر روی صورت ریخت و با همان يك مشت آب، صورت خود را شست. بعد، دست چپ را در آب فرو برد و يك مشت آب برداشت و بر روی ساعد راست خود ریخت و با همان يك مشت آب، ساعد راست خود را از آرنج تا سر انگشتها شست.

شاهد مثال اینجاست که امام باقر فرمودند: پیغمبر اکرم لگنی را خواستند که داخلش آب بود. ابتدا دستشان را شستند، سپس صورت مبارک را شستند تا نوبت به دستشان رسید.

«فَعَسَلَ يَدَهُ الْيُمْنَى مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْأَصَابِعِ»

و از آرنج تا انگشتان دست راست را شستند.

«لَا يَرُدُّ الْمَاءَ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ»

بالاتر از مرفق را هم نشستند.

امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: زمانی که پیغمبر اکرم آب را می‌ریخت، این آب را از بالای کتف به سمت پایین نمی‌ریختند. پیغمبر اکرم آب را از آرنج می‌ریختند، نه از بالاتر از آرنج. این فرمایش به این معناست که افرادی وسوسه نشوند ده سانت بالاتر از آرنج هم آب بریزند.

«ثُمَّ غَمَسَ كَفَّهُ الْيُمْنَى فِي الْمَاءِ فَأَعْتَرَفَ بِهَا مِنَ الْمَاءِ فَأَفْرَعَهُ عَلَى يَدِهِ الْيُسْرَى مِنَ الْمِرْفَقِ إِلَى الْكَفِّ لَا يَرُدُّ الْمَاءَ إِلَى الْمِرْفَقِ كَمَا صَنَعَ بِالْيُمْنَى»

بعد دست راست را در آب فرو برد و يك مشت آب برداشت و بر روی ساعد چپ ریخت و مانند دست راست، ساعد چپ را از آرنج تا سر انگشتها شست.

حضرت دست چپ خود را هم از مرفق تا کف شستند، همانطور که دست راستشان را شسته بودند.

«ثُمَّ مَسَحَ رَأْسَهُ وَ قَدَمَيْهِ إِلَى الْكَعْبَيْنِ بِفَضْلِ كَفَّيْهِ وَ لَمْ يُجَدِّدْ مَاءً»

بعد از آن، با رطوبت دستها سر و پاها را مسح کشید و برای مسح، از آب ظرف استفاده نکرد.

این فرمایش امام باقر به این معناست که حضرت پایشان را نشستند و آبی نیاورند تا روی پایشان بریزند؛ بلکه

از همین خیزی که دست چپشان را شسته بودند مسح سر و دو پایشان را کشیدند.

«وَ لَمْ يُجَدِّدْ مَاءً»

و برای مسح، از آب ظرف استفاده نکرد.

تهذیب الأحكام، نویسنده: طوسی، محمد بن الحسن، محقق / مصحح: خراسان، حسن الموسوی، ج 1، ص 56،

ح 7

حضرت آب اضافه‌ای نگرفتند تا سر و پای خود را به وسیله آن بشویند. این روایت همچنین در کتاب «وسائل

الشیعه» جلد 1 صفحه 392 حدیث 1029 نقل شده است؛ البته منظور ما «وسائل الشیعه» چاپ سی جلدی

«نشر آل البیت» است.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته